

فوران

به استقبال اشعار سوما کاویانی  
شاعر انقلابی افغانستان  
1-4-2010

## وقتی من شعر ترا میخوانم

وقتی من شعر ترا میخوانم  
قصه شعر ترا میدانم  
قصه تو قصه ی عمر دراز شبنم  
قصه نیلوفر  
قصه فصل خزان  
قصه ظلمستان  
چه کسی میگوید:  
آسمان در همه جا یک رنگ است  
آسمان در همه جا چند رنگ است  
آن یکی اشک به چشم  
آن دگر خنده به لب  
تاکه سرمایه و سود است به جهان  
ظلم ندارد پایان

نه به گیتی  
نه به عراق  
نه به افغانستان  
وقتی من شعر ترا میخوانم  
آفرین بر تو وبر شعر تو من میگویم  
که :

نه مانند **شبو و ریحان**  
اندر آن فصل خزان  
نه تو پژمرده شدی  
بلکه کوه گشته و آبدیده چو فولاد شدی  
وقتی من شعر ترا میخوانم  
خنجری پر تپش قلب ترا می بینم  
بر نابودی استکباران  
بر آزاد شدن کارگران  
رنجبران  
دهقانان

وقتی من شعر ترا میخوانم  
آفرین بر تو وبر شعر تو من میگویم